

سوریه، جنگی که ماسک‌ها در آن به کنار زده شد!

ع. شفق

e.shafagh@yahoo.com

برای تمام آنهایی که تحولات سوریه را از نزدیک دنبال کرده‌اند نیازی به اثبات این حقیقت نیست که پیچیدگی تضادها در این کشور، سال‌هاست که سوریه را به یکی از گره‌گاه‌های تضادهای امپریالیستی تبدیل کرده است. اما یکی از اساسی‌ترین سوالات مطرح این است که در سوریه چه کسی پشت سر چه کسی‌ست و کدام سیاست و کدام قدرت‌ها تحولات اخیر و تعویض قدرت سیاسی در این کشور جنگ‌زده و محروم را ایجاب کردند.

با سقوط بشار اسد دیکتاتور سوریه در بستر انفعال ارتش سوریه در مقابل تهاجمات هیئت تحریر الشام (HTS) به رهبری ابو محمد الجولانی (که اکنون خود را احمد حسین الشرح معرفی می‌کند) وضعیت جدیدی در این کشور ایجاد شده و نقش و فعالیت زد و بندهای امپریالیستی بین قدرت‌های غالب در سوریه و حکومت‌های منطقه‌ای چون ترکیه و اسرائیل در این کشور برجستگی بیشتری یافته است. دولت ترکیه که خود عضو پیمان نظامی ناتو به رهبری آمریکا است نیروی اصلی تجهیز و آموزش هیئت تحریر الشام، یعنی نیرویی است که بعد از سقوط بشار اسد، امروز قدرت سیاسی در سوریه را به دست گرفته است. فلابه این نیرو پس از توافقات سال ۲۰۱۷ و تمرکز آن در ادلب در دست دولت ترکیه بوده است. از طرف دیگر هیئت تحریر الشام پیشتر با نام "جبهه النصره" شناخته می‌شد که با القاعده مرتبط بود و از این رو ابو محمد الجولانی در فهرست تروریستی آمریکا قرار دارد.

در این میان به گزارش بی بی سی، جو بایدن در تاریخ ۱۹ آذر در یک بیانیه "تغییر فوق‌العاده در وضعیت سوریه را نتیجه استراتژی ایالات متحده" و "یک فرصت تاریخی" نامید که این امر به خوبی نشان می‌دهد که تحولات سوریه و نیروها و دولت‌های بسیار متضادالمنافع در گیر در آن در تحلیل نهایی در زیر سیاست و "استراتژی ایالات متحده" به خط شده‌اند و سرنوشت اسد در راستای این "استراتژی" و نه در میدان نبرد رقم خورد.

اکنون به تدریج در مواضع رسمی آمریکا، روسیه و سایر شرکاء و رقبای آنان روشن می‌شود که اغلب این قدرت‌ها به رغم آگاهی بر ماهیت تروریستی دار و دسته اسلامی محمد جولانی و به رغم "اظهار نگرانی"های دیپلماتیک در مورد آینده "وضع حقوق بشر" و "حقوق زنان" در سوریه، با روند ظهور "سوریه جدید" همگامی و همراهی می‌کنند. بیهوده نیست که مقامات آمریکایی و روسی از همان اولین روزهای اول برقراری کانال‌های ارتباطی با هیات تحریر الشام، آن را تایید کردند؛ و به گزارش اسکای نیوز به نقل از یک مقام اروپایی "اکنون تعدادی از کشورهای اروپایی به فکر بازگشایی سفارت‌های خود در سوریه هستند".

دولت اردوغان در ترکیه هم‌زمان با قدرت‌گیری هیئت تحریر الشام در سوریه به تهاجمات خود به این کشور ابعاد وسیع‌تری بخشیده و در صدد است منطقه کردستان سوریه که هم اکنون در کنترل احزاب کرد این منطقه است را تماماً به کنترل خود در آورد. از این رو به بمباران نیروهای سوریه دموکراتیک (SDF) به رهبری احزاب کرد، مبادرت نموده است. نیروهای سوریه دموکراتیک (SDF) در سال‌های

گذشته به دنبال عقب‌نشینی نیروهای بشار اسد از کردستان جهت تمرکز در جنگ با نیروهای نیابتی مخالف خود، کنترل کردستان سوریه را به دست خود گرفته است. با این که نیروهای سوریه دمکراتیک (SDF) روابط تنگاتنگی با ارتش امپریالیسم آمریکا دارند و سال‌هاست که از سوی این ارتش تجهیز شده و عملاً به زائده ارتش آمریکا در سوریه بدل شده‌اند، اما آنچه برای دولت اردوغان از اهمیت برخوردار است تضعیف و یا از بین بردن این نیروست. چرا که دولت اردوغان نیروهای سوریه دمکراتیک (SDF) را جزئی از حزب کارگران کردستان (پ ک ک) می‌داند که سال‌هاست در ترکیه درگیر جنگ با آنهاست. بر این مبنا دولت ترکیه از فرصت پیش‌آمده برای سرکوب نیروی کردها در این منطقه استفاده کرده و یکی از سازمان‌های دست‌ساز خود یعنی ارتش ملی سوریه (SNA) را نیز به جنگ با نیروهای کرد گسیل نموده و این نیرو با پشتیبانی هوایی ارتش ترکیه، نیروهای کرد را تحت تهاجم خود قرار داده است تا آنجا که "ارتش ملی سوریه" اخیراً موفق به ورود به شهر منبج که تحت کنترل نیروهای کرد بود شده است. به این ترتیب دولت ترکیه در چارچوب خط استراتژیک امپریالیسم آمریکا به یکی از نیروهای فعال در تحولات سوریه بدل گشته است.

نکته قابل توجه هم این است که رهبران کرد به رغم آگاهی از نقش و مقاصد ضد خلقی دولت ترکیه در سوریه و دشمنی آشکار آن با حقوق کردها در هر کدام از سرزمین‌های‌شان و تلاش برای سرکوب و تضعیف نیروهای سوریه دموکراتیک (SDF) در تحولات سوریه با سیاست امپریالیستی که خواستار انتقال قدرت از اسد به هیات تحریر الشام بود همراهی کرد و با کنار کشیدن خود از درگیری‌ها موفقیت این روند را البته در حد نقش و وزن برجسته خود در سوریه تضمین کردند. در همان حال صالح مسلم، رئیس مشترک حزب اتحاد دموکراتیک کرد (PYD) در ۵ دسامبر ۲۰۲۴، گفت: "ما آماده گفتگو با هیئت تحریر الشام (HTS) برای ساختن آینده‌ای با همزیستی در سوریه هستیم." و تأکید نمود که "به نظر می‌رسد HTS منضبط‌تر و آشتی‌جوتر است". اما به رغم چنین اظهاراتی واقعیت این است که با توجه به قدرت‌گیری بنیادگرایان اسلامی در سوریه، یکی از بزرگترین دشمنان خلق کرد سوریه به جای رژیم اسد به قدرت رسیده است.

یکی دیگر از نیروهائی که با تحولات سوریه به موقعیت خاصی برای بلندپروازی‌های اشغالگرانه خود دست یافته است دولت کودک‌کش اسرائیل می‌باشد. این دولت صهیونیستی بلافاصله بعد از سقوط بشار اسد با اعزام ارتش خود بخشی از نوار مرزی اسرائیل با سوریه را اشغال نظامی نمود و طبق معمول این تجاوز به خاک یک کشور دیگر را ایجاد "کمربند حفاظتی" به دور اسرائیل نامید و با این توجیه به وضع قوانین حکومت نظامی و منع آمد و شد در مناطق سوری تحت اشغال خویش پرداخت.

اشغال خاک همسایه که عملاً نقض قرارداد صلح اسرائیل با سوریه بود، با یک اقدام "متحیرانه" ارتش صهیونیستی اسرائیل همراه شد. این اقدام بمباران‌های سنگین تمام پادگان‌ها و منابع ذخیره تسلیحات ارتش سوریه بود که معلوم شد این عمل با دستور اسرائیل کاتز، وزیر دفاع اسرائیل بوده است که به ارتش دستور داد تمامی "سلاح‌های استراتژیک" شامل "موشک‌های زمین به هوا، سیستم‌های دفاع هوایی، موشک‌های زمین به زمین، موشک‌های کروز، راکت‌های دوربرد، و موشک‌های ساحل به دریا" باید نابود شوند. البته نیروهای مسلح آمریکا نیز در این بمباران‌ها شرکت کردند و همراه با ارتش اسرائیل جهت نابودی کامل سلاح‌هایی که تا کنون مورد استفاده ارتش سوریه بود چند صد پرواز تهاجمی و نابود کننده انجام دادند. در اثر این حملات ارتش سوریه و ناوگان دریایی این کشور و تمام منابع و انبارها و توان سازماندهی آن تقریباً نابود شد. در این بمباران‌های وحشیانه مردم نیز از آسیب در امان نماندند. خانه‌های بسیاری نابود شد و ساکنان آن در شرایط جهنمی‌ای که در سوریه ایجاد شد، آواره شدند.

اقدام به بمباران تسلیحات ارتش سوریه که عمدتاً ساخت روسیه بودند، دقیقاً همان اقدامی است که دولت امپریالیستی بوش پس از تصرف عراق و قطع نفوذ امپریالیسم روسیه از آن کشور، به آن مبادرت نمود. واضح است که اقدام ظاهراً متحیرانه ارتش اسرائیل در روسی زدایی ارتش اسد _ که اسرائیل با این استدلال مضحک که این بمباران‌ها برای نابودی سلاح‌های شیمیایی می‌باشد تا مبادا به دست تروریست‌ها بیفتد _ در خدمت یک برنامه دراز مدت برای ایجاد و تسلیح یک ارتش جدید در سوریه متکی به سلاح‌ها و تجهیزات آمریکایی می‌باشد. شکی نیست که تولید و صدور سلاح‌ها و تجهیزات آمریکایی به "سوریه جدید" سودهای میلیارد دلاری برای بزرگترین کنسرن‌های نظامی امریکا در بر خواهد داشت و آینده تجارت مرگبار و سودآور آنها را هرچه بیشتر تضمین خواهد نمود. این اقدام اسرائیل یکبار دیگر نقش مزدوری ارتش اسرائیل برای امپریالیسم آمریکا و تئیدگی امپریالیسم با صهیونیسم به عنوان چماق آمریکا در خاورمیانه را هرچه واضح‌تر در افکار عمومی به نمایش گذارد. در کنار حملات هدفمند ارتش اسرائیل به سوریه و اشغال خاک این کشور، مطابق گزارشات پایگاه خبری اسرائیلی "واللا" از تماس‌های مستقیم و غیر مستقیم مقامات اسرائیل با هیات تحریر الشام خبر می‌دهند.

نیروی دیگری که قبل از تحولات اخیر در سوریه در کنار بشار اسد جهت سرکوب و کشتار مردم مخالف دولت اسد به ایجاد آشوب در این کشور مشغول بود، رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی است که بدون تردید یکی از بازندگان تحولات اخیر در این کشور محسوب می‌شود. جمهوری اسلامی پس از سال‌ها همکاری با بشار اسد و شرکت مستقیم نیروهایش در کشتار مردم سوریه _ به طوری که توده‌های تحت ستم در این کشور در جریان خیزش انقلابی خود در سال ۲۰۱۱ علیه جمهوری اسلامی شعار داده و عکس‌های خمینی و خامنه‌ای را زیر پا له می‌کردند _ و پس از صرف میلیاردها دلار برای بقای بشار اسد فعلاً مجبور شده است دمشق را لای پا گذاشته و این کشور را ترک کند. این عملکرد حاصل شرایطی است که با چراغ سبز و کارگردانی امپریالیسم آمریکا در سوریه ایجاد شده است و تمکین بدون سر و صدای جمهوری اسلامی به این روند و به شکست خود مبین امری جز سرسپردگی این رژیم به امپریالیست‌ها نمی‌باشد. چرا که این رژیم وقتی فهمید سیاست اربابانش تغییر کرده است به همراه تمام نیروهای مزدور نیابتی‌اش در سوریه کاملاً آگاهانه و در خط مورد دلخواه امپریالیسم آمریکا نظاره گر سقوط اسد که او را قوی‌ترین متحد خود و پای اصلی "محور مقاومت" در منطقه می‌نامید شد و مو به مو به پیشرفت پروسه کنونی مورد دلخواه امپریالیسم آمریکا و صهیونیست‌ها در سوریه تن داد. در چارچوب این سیاست دستگاه‌های تبلیغاتی جمهوری اسلامی نیز کم کم استفاده از واژه تروریست و تکفیری در مورد هیئت تحریر الشام را کنار گذاشته و از آنها به عنوان "شورشیان سوری" و "مخالفان سوری" نام می‌برند. برخی مقامات جمهوری اسلامی نیز تایید می‌کنند که در حال "ارتباط" با این گروه تروریستی حاکم بر سوریه هستند.

در حقیقت جمهوری اسلامی پس از برباد دادن ثروت‌های متعلق به مردم محروم ما در جریان ماجراجویی‌هایش در سوریه، به رغم تمام هارت و پورتهای تبلیغاتی ولی فقیه‌اش در باب "عمق استراتژیک حاکمیت" و ضرورت حفظ "محور مقاومت" و سیاست به اصطلاح "حفظ حرم" با ادعای نبرد در سوریه علیه "تروریست‌ها" سرانجام مجبور شد به نتایج زد و بندهای امپریالیستی برای شکل دادن به اصطلاح "سوریه جدید" تن داده و نیروهای خود را از سوریه خارج سازد. اکنون این رژیم وابسته به امپریالیسم به این دلخوش است که با هیئت تحریر الشام روابطی برقرار نماید. برای این منظور پیام‌هایی بین طرفین رد و بدل شده و وزارت خارجه جمهوری اسلامی مطرح کرده است که "جمهوری اسلامی انتظار دارد روابط «دوستانه» با سوریه ادامه یابد".

جدا از نیروهایی که به آنها اشاره شد دولت آمریکا نیز با چند صد سرباز دارای تعدادی پایگاه در خاک سوریه می‌باشد. در حال حاضر این دولت سیاست‌های خود را از طریق دولت ترکیه و نیروهای سوریه دموکراتیک (SDF) در کردستان سوریه پیش می‌برد و تغییر رژیم اسد که سالها خواست آمریکا و موضوع جنگ نیابتی‌اش با روسیه بود بالاخره از طریق یک دسته از تروریست‌های دست‌ساز آمریکا یعنی هیئت تحریر الشام به تحقق پیوسته است. از سوی دیگر نیروهایی که دمشق را ظاهراً فتح کردند تاکنون به پایگاه‌های نظامی روسیه تعرضی نکرده‌اند. روسیه بیش از ۲۰ پایگاه نظامی در سوریه دارد و بندر طرطوس در دریای مدیترانه یکی از مهمترین پایگاه‌هایش می‌باشد. این امر از سازش پشت پرده بین آمریکا و روسیه حکایت می‌کند؛ و سفارش بشار اسد که اکنون به کشور پشتیبان‌اش یعنی روسیه پناهنده شده به نخست وزیرش که "روند انتقال قدرت" به دار و دسته هیئت تحریر الشام به طور "مسالمت آمیز" پیش برود نیز این امر را تقویت می‌کند. با این حال برای درک ابعاد این سازش باید گذاشت تا روندهای جاری تا حدی پیش برود و سیر محتمل رویدادها بیشتر خود را نشان دهند.

اکنون کارشناسان فریکار امپریالیست‌ها از طریق تمام بلندگوهای تبلیغاتی استثمارگران مشغول صحبت در باره "سوریه جدید" و تبلیغ مواضع فریبکارانه سرکرده تروریست هیئت تحریر الشام در افکار عمومی هستند. رهبر هیئت تحریر الاشام، ابو محمد الجولانی کسی است که در لیست تروریستی دولت آمریکا قرار دارد و دولت آمریکا برای سرش ده میلیون دلار جایزه تعیین کرده است. اما دیدیم که به رغم این واقعیت امروز او با کمک رژیم ترکیه که مجری فرامین آمریکاست به قدرت رسیده است. این دسیسه‌ها خود بیانگر آنند که آنچه اکنون در سوریه می‌گذرد ظهور یک "سوریه جدید" و مدافع منافع و حقوق توده‌های تحت ستم نیست. این سوریه جدیدی ست که امپریالیست‌ها با یک برنامه جابجایی مهندسی شده قدرت را از دست یکی از سگان زنجیری خود به یک سگ زنجیری دیگر محول کرده‌اند و می‌کوشند از این طریق مردم رنج‌دیده سوریه و منطقه را هر چه بیشتر قربانی مطامع جهان‌خوارانه خویش کرده و از بابت تشدید فقر و بیکاری و محرومیت و تحمیل جنگ‌های جدید بر حیات و کار آنان، جیب‌های خود را هر چه بیشتر پر کرده و زنجیرهای اسارت را بر دست و پای خلق‌های تحت ستم منطقه محکم‌تر سازند. اما کوشش و تلاش دشمنان مردم هر چه باشد، مردم سوریه در طول تاریخ مبارزاتی خود علیه امپریالیسم و نوکران رنگارنگش ثابت کرده‌اند که آگاه‌تر از آن هستند که با روی کار آمدن دار و دسته‌های اسلامی خلق شده توسط امپریالیست‌ها فریب شعارهای توخالی آنان مبنی بر سوریه جدید و دمکراتیک را بخورند. این مردم مبارزات خود علیه ستم و سرکوب را متوقف نخواهند ساخت و این مبارزات به رغم هر فراز و نشیب‌هایی تا پیروزی نهایی خلق‌های سوریه علیه دشمنانشان ادامه خواهد یافت. مردم مبارز سوریه شاهد هستند که مزدوران تحریر الشام در همین چند روز گذشته مشغول انجام جنایت‌هایی به همان دهشتناکی جنایات رژیم بشار اسد علیه مردم رنج‌دیده سوریه هستند. نیروهای ضد خلقی این گروه به دلیل ماهیت مزدوری‌شان مشغول گشودن آتش بر روی مردم بی‌گناه، اعدام خودسرانه مخالفین، غارت خانه‌ها و به اسارت گرفتن زنان و اعمال تبهکارانه مشابه هستند. اگرچه رهبرشان برای جهان پیام تعامل و دوستی و وعده آزادی و دمکراسی در "سوریه جدید" می‌فرستد و دستیارانش مجبور به دادن اطلاعاتی به منظور توقف اعمال جنایتکارانه نیروهای خود علیه مردم شده‌اند.

سیر رویدادها تا کنون خبر از همان سیاستی می‌دهد که آمریکایی‌ها جهت قدرت‌گیری مجدد طالبان در افغانستان پیش بردند. به طوری که با کمترین درگیری نظامی ارتش خود ساخته‌شان تحویل طالبان ضد مردمی بنیادگرای اسلامی داده شد. همه این رویدادها برای هر انسان آزادبخواه با قاطعیت این امر را ثابت می‌کند که تنها با توجه به سیاست‌های امپریالیست‌ها و به حساب آوردن آنها در تحلیل خود می‌توان به حقیقت امر دست یافت؛ و هیچ تحلیلی از اوضاع سوریه و منطقه خاورمیانه بدون توجه به نقش امپریالیست‌ها با واقعیت عینی انطباقی نداشته و نخواهد داشت.

ع. شفق

com.yahoo@shafagh.e

۱۳ دسامبر ۲۰۲۴